

## زمانِ پروستی

میترا منتصری (دانشجوی دوره دکتری زبان و ادبیات فرانسه، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات تهران)

فرانک اشرفی (استادیار دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات تهران)

آغاز قرن بیستم در غرب با شهرت جهانگیر شهر پاریس و شیوع صلح و دوستی و عصر خوش<sup>۱</sup> در اروپا مقارن است. پروست، در این دوران پیروزی شادی و خوش‌بینی پس از جنگ بین‌المللی، با فراورده‌ی سترگ خود، در جست‌وجوی زمان از دست رفته جایگاه شامخی در ادبیات داستانی احراز می‌کند. این اثر ماندگار در ببحوحه رونق ادبیات داستانی در اروپا و گرمی بازار نویسندگان پدید می‌آید. در عصری که شاهد ظهور مکاتب ادبی متعددی مانند رمانتیسم، رئالیسم، ناتورالیسم، سمبولیسم، و سورئالیسم شد؛ عصر پیدایش جریان‌های فکری و فلسفی جدید از جمله نظریه‌های تازه و بی‌سابقه برگسون که در آثار پروست و زمان پروستی تأثیر و نفوذ آشکار یافت. در این عصر، ارزش‌ها و معتقدات سنتی زیر سؤال می‌روند و ارزش‌ها و نظریات جدید به جای آنها می‌نشینند. در آغاز قرن بیستم، نشریه مجله سنت شکن و نوظهور فرانسه *La Nouvelle Revue Française* (NRF) منتشر می‌شود که آندره ژید، در آن، پیشتاز بود. این مجله زمانی علم شد که ادبیات زبان فرانسه هنوز

---

1) La Belle Époque

به دستاورد ادبی قرن نوزدهم وابستگی محسوس داشت و آن قرن دوران اوج رمان‌نویسی و عصر طلائی ظهور رمان‌نویسان بزرگی همچون بالزاک، استاندال، زولا شمرده می‌شد. در چنین شرایطی، مندرجات NRF و خطّ مَشْیِ آن طبعاً اثر عمیقی در نویسنده جوانی همچون پروست داشت و مشوّق او در نوگرایی بود. در عصر جدید، نویسنده و تجارب بیهمتای اوست که محور اصلی داستان می‌گردد نه واقعیات به صورتی که در مکاتب رئالیستی و به‌خصوص ناتورالیستی منعکس می‌شد که بیشتر به دستاوردهای علوم دقیقه نظر داشت. این تجارب و ذهنیات اصیل نویسنده است که با زبان و بیان خاصّ و بینش او اصالت وجودی او را به نمایش می‌گذارد.

پروست در اتخاذ این سیره به‌ویژه از نظریات برگسون، فیلسوف مشهور فرانسوی، و فروید، روانکاو و روانشناس معروف اتریشی متأثر است. وی، با مصوّر ساختن ذهنیات نامحدود و تجارب درونی گذرا و در عین حال همواره دستخوش تغییر و نوبه‌نو شدن خود کوشید تا ناپایداری احوال و اشیاء و تصویری تازه از زمان را القا کند. در شاهکار پروست، سیر خطّی زمان و عناصر جافتاده طرح و توطئه و تعلیق مبتنی بر آن در حاشیه قرار می‌گیرد و «دیرتند» زمانی یعنی گذار ذهنی نه برونی «زمان از دست رفته» شاغول بنای داستان می‌شود. (Desaintqhislai et al., p. 394; Brunel et al, p. 601) →

نمی‌توان از آفریننده در جست‌وجوی زمان از دست رفته سخن گفت و به بستر خاطراتش یعنی زندگی او اشاره نکرد. مارسل پروست در خانواده پاریسی سرمایه‌دار مرفّهی متولّد شد. وی، در ده سالگی به عارضه تنگی نفس مبتلا شد که سراسر عمر از آن رنجور و آزرده ماند. این عارضه سبب آن شد که ایام کودکی را با مراقبت دائمی پزشکی بگذراند. به روزگار جوانی، با محافل اشرافی و ادبی محشور بود. با چهره‌هایی از طایفه هنرمندان این مجالس در اثر سترگ او آشنا می‌شویم. استعداد نویسنده پروست به آهنگی پُرشتاب شکوفا می‌شود و در آن اثر خوش می‌درخشد. پس از مرگ مادر، عارضه آزاردهنده شدّت می‌گیرد، از حضور در محافل مألوف محروم می‌گردد و به انزوای غمباری محکوم می‌ماند. در سال‌های آخر عمر، به رغم بحران عارضه، روزها را به نوشتن اثر معروف خود می‌گذراند. اعتکاف در عارضه کذائی فرصت و مجال کافی

برای نوشتن و بازنوشتن به او می دهد. گذار زمان، در این احوال، ارزش و اهمّیت و معنای دیگری می یابد و به ملازمِ جدانشدنی گنّه ضمیر او بدل می شود. وی در بستر این زمان فرصت خجسته ای برای غور در نفسانیات خود و بیان هنرمندانه آنها به چنگ می آورد (Schoeller, p. 809). می توان گفت که عارضه جانکاه حیات نویسنده ای او را نیرو می بخشد و بارور می سازد و برای پرداختن به جز آن نه مجال می گذارد و نه سایقه ای. به واقع، زمان از نظر او تشخّص جاننداری کسب می کند (Liu chengfu, p. 14). پروست، در نهایت، به یاری تخیل و هوش و فراست خود، بر زمان از دست رفته چیره می شود و آن را بازمی گرداند؛ به گفته ژید، سخن او با تخیل پرورش می یابد (Bernard et al, p. 319). نوآوری او در آن است که موانع کلاسیک زمانی و مکانی را از سر راه خود بر می دارد و، حاکم بر زمان، فارغ البال در گذشته و حال و آینده به سیر و سیاحت می پردازد. (Brunel et al, p. 601)

در اثر پروست، زندگی راوی با زندگی پروست، به هم درآمیخته، به نمایش گذاشته شده است. نویسنده قهرمان داستان را از دنیای بیرونی دور می سازد و، به قصد فرار از واقعیت موحش و فریبنده زمان حال و بازیافت زمان از دست رفته، با یادآوری لحظات شاد گذشته، به ویژه ایام کودکی، غرق لذت می شود. طرفه اینکه کودک قهرمان داستان فی الحال نویسنده است و از موهبت استعداد نویسنده برخوردار است. خواننده، در این اثر، مسیر ذهنی نویسنده را پی می گیرد تا دنیای درونی او را کشف کند. نویسنده، در مجموعه هفت جلدی اثر خود، کُل شناخت خود از انسان و لُب افکار خود را مصوّر ساخته است که، از ورای آنها، انبوه تجارب زندگی گذشته بر می دمَد. (Berberis et al, p. 345)

زمان مضمون اصلی هفت جلدی در جستجوی زمان از دست رفته و حافظه عنصر اصلی آن است. خواننده، با پی گرفتن خاطرات نفسانی نویسنده مرتباً از زمانی به زمانی دیگر برده می شود. اما این زمان زمان خطی و گاهنامه ای نیست، زمان نفسانی و دقیق تر بگوییم زمان پرورشی زمان وابسته به حافظه و تداعی خود اوست (Brunel et al, p. 379). در کُل، اثر پروست خصلت روانشناختی دارد و، در آن، زمان حاصل حافظه و تداعی

است، به خلاف زمان در آثار داستانی بالزاک که خطی و گاهنامه‌ای است. از نظر پروست، زمان متناظر شکوفائی رؤیا و تخیل است و حوادث، در آن، بهانه و دستاویزی بیش نیستند. در اثر او، زمان، چون نیک بنگریم، همان کشف نفسانی موجودات و اشیاء و خویشتی خویش است. (Ibid, p. 600) →

در اثر پروست، حواس پنجگانه به حیث تداعی‌گر «زمان از دست رفته» نقش تعیین‌کننده دارند. با یادآوری ادراک حسی متعلق به یکی از آنها چه‌بسا دنیایی با درخشش تمام در ذهن بازآفریده شود و «زمان از دست رفته» بر دمَد (BERNARD et al, p. 379) →. قطعه مشهور «کیکِ مادِن» در این باره شاهد بيمثالی است که نیروی خارق‌العاده ادراک حسی مربوط به حس چشائی (ذایقه) را به روشنی نشان می‌دهد. صرفاً همین ادراک حسی نویسنده را به فضای گذشته سوق می‌دهد و خاطرات آن فضا را زنده و بیدار می‌کند. (LAGARDE et Michard, p. 224) →

نقش اصلی حافظه خودرو رهاسازی از منطق زمان و، به تعبیری، پدید آوردن بی‌زمانی است. ارتباط دو پاره یکسره دور از هم در جست‌وجوی زمان از دست رفته (نخستین فصل جلد اول و آخرین فصل جلد هفتم) نیروی شگرف حافظه خودرو را آشکار می‌سازد. این ارتباط به ما نشان می‌دهد که زمان نه آرام‌بخش بل آشوبنده است. (Ibid)

حافظه خودرو همچون آینه‌ای جادویی اثر حواس پنجگانه را زنده می‌کند. صدای برخورد قاشق به بشقاب کافی است برای آن که خاطره مسافرتی با قطار را بیدار سازد. خاطره و حافظه به ما امکان می‌دهد زمان مدام در جریان را بازیابیم. گذر زمان ما را از لحظات گذشته دور می‌کند. در عوض حافظه خودرو و فعال همدست می‌شوند و این جدایی را از میان می‌برند و گذشته را به حال برمی‌گردانند و بر گذشته غلبه می‌کنند.

در اعترافات روسو نیز شواهد این نقش جادویی را می‌یابیم. روسو، به هنگام گردش در کوهستان، قاصدکی را می‌بیند که لای علف پنهان شده است و به یاد می‌آورد سی سال پیش، طی گردش با مادام دُوواران، قاصدک دیده بود. روسو، با نقل این خاطره خواسته است نشان دهد که رویدادی ساده می‌تواند احساساتی بی‌نظیر را زنده سازد و ناگهان دنیایی فراخ از گذشته‌ای دور را پیش چشم آورد. با همین نقش جادویی است که بنای عظیم انبوه خاطرات گذشته از نو قد برمی‌افرازد.

### نتیجه

پروست، با نوآوری در روایت، می‌کوشد تا تجارب نفسانی و حیات درونی چهره‌های داستانی را ببیند و مصوّر سازد. اثر سترگ هفت جلدی او سرشار است از خاطراتی که بر اثر تداعی‌ها و عمل حافظه خودرو به نیروی ادراکات حسّی ساده زنده می‌شوند و گذشته را با قوّه تخیل پرورش می‌دهند و به زمان حال بازمی‌گردانند. وی، با این ترفند، موانع زمان گاهنامه‌ای را از میان برمی‌دارد و «زمان از دست رفته» را باز می‌یابد. آنچه پروست در بند آن است توصیف واقعیات خشک و بیروح نیست. وجهه نظر او بازیافتن «زمان از دست رفته» و بیدار کردن خاطرات به خواب رفته است. زمان، اگر بتواند خود رویدادها و چیزها را نیست کند قادر نیست خاطرات آنها را محو سازد. خاطره آنچه در گذشته دور هستی یافته و به دیار نیستی رفته سال‌های سال پس از آن در خاطر زنده می‌شود و پروست در بند بازسازی آنها در نفسانیات خویش است. وی به این مقصود، نوع تازه‌ای از خاطره‌نویسی را اختیار کرده و «زمان از دست رفته» را با قوّه تخیل پرورش داده و نیروبخش ساخته و در قالب داستانی زنده و جاندار ریخته است.

### منابع

- BARBÉRIS, D et al (1998), *Langue et Littérature, Anthologie XIXe, XXe Siècles*, Paris: Nathan.
- BERNARD, D et al (1996), *La Littérature Française au Bac*, Paris: Berlin.
- BRUNEL, P et al (1986), *Histoire de la littérature Française XIXe et XXe siècles*, Paris: Bordas.
- DESAINTEHISLAI, CH. Et al (1988), *Littérature et Méthodes*, Paris: Nathan technique.
- LAQARDE, A. et Michard, L (1973), *XXe siècle, Les Grands Auteurs Françaises*, Paris: Bordas.
- PROUST, M. (1987-1989), *A la Recherche du Temps Perdu*, Gallimard, Coll, Paris.
- SCHOELLER, G (1999), *Dictionnaire Encyclopédique de la Littérature Française*, Paris: Robert Laffont.

□